

## استراتژی تشکل محور، نه "انتخابات مطالبه محور"

به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر ۱۳۸۸

از میان جنبشهای اجتماعی ایران، جنبش کارگری تنها جنبشی است که طی ۵ سال گذشته با تمام فراز و نشیبهایی که پشت سر گذاشته همواره رو به پیش بوده است. با فرا رسیدن هر اول ماه مه فعالین جنبش کارگری تلاش برای برگزاری مراسم مستقل از دولت و شوراهای اسلامی را آغاز کرده اند. وقایع روز کارگر سقز در سال ۱۳۸۳ که محمود صالحی نقش ارزنده و بیاد ماندنی در آن داشت مبارزه دائمی کارگران برای برگزاری مراسم مستقل از دولت و شوراهای اسلامی را وارد فاز کاملا جدیدی کرد. از آن سال تاکنون فعالین جنبش کارگری کوشیده اند با توجه به تناسب قوای بین کارگران و رژیم اسلامی در هر شهر و منطقه و به انحاء گوناگون مراسم روز کارگر را هر چه وسیع تر و علنی تر برگزار کنند. رویارویی جنبش کارگری با رژیم های حاکم بر ایران بر سر برگزاری مراسم مستقل روز کارگر اگر چه جدید نیست اما با چنین ابعادی از دستگیری، شکنجه، محاکمه، حبس و این اواخر با رفتاری سبعمانه و اسلام گونه شلاق خوردن بیسابقه است. طبعاً امسال نیز همانند چند سال گذشته فعالین جنبش کارگری بدون اینکه برگزاری مراسم روز کارگر را به موضوع هست و نیست جنبش کارگری تبدیل کنند در هر شهر و منطقه ای در روز جهانی کارگر مراسمی را برگزار خواهند کرد.

پنج سال قبل و با روز کارگر سال ۱۳۸۳ در سقز جنبش کارگری ایران وارد دوران جدیدی شد و در ادامه و برای نخستین بار یک استراتژی طبقاتی تشکل محور را مطرح کرد و ایجاد تشکل کارگری در دستور روز قرار گرفت که فقدان آن یکی از کمبودهای اساسی و تاریخی جنبش کارگری بوده است. اگر چه اقدام برای برگزاری مراسم روز کارگر مستقل از دولت و شوراهای اسلامی، و در واقع یک آکسیون، زمینه ساز ورود جنبش کارگری به دورانی تازه شد اما بدلیل ماهیت سمتگیری جدید جنبش کارگری بسوی ایجاد تشکل، فعالین جنبش کارگری با درایت و روشن بینی مناسبی جنبش کارگری را از غلتیدن به ورطه ماجراجویی و آکسیونیسیم برحذر داشتند و آنرا آهسته و با گامهای سنجیده و مستحکم بسوی ایجاد تشکل هدایت کردند و پیشروی در راستای استراتژی جدید را به مهمترین شاخص درجه پیشروی جنبش کارگری تبدیل کردند.

هم اکنون اساس تلاش بخش عمده فعالین جنبش کارگری صرف رفع موانع ایجاد تشکل کارگری می گردد بگونه ای که جنبش کارگری ایران تنها دارای دو نوع تشکل است. تشکلهای توده ای کارگری نظیر سندیکای واحد و سندیکای هفت تپه و یا تشکل فعالین جنبش کارگری نظیر کمیته همهانگی که این نیز هدفش ایجاد تشکلهای توده ای کارگری است. این بزرگترین تحول جنبش کارگری پس از کشتارها و سرکوبهای دهه ۶۰ است. از میان هزاران اعتصاب و اعتراض و تظاهرات کارگری در این سالها که نشان قاطعی از تسلیم ناپذیری جنبش کارگری در مقابل کارفرماها و رژیم اسلامیشان است آنچه برای جنبش کارگری باقی مانده همین چند تشکل است. این تشکلهای اگر چه اندک اند اما با از خود گذشتگی فعالین جنبش کارگری و مرارتهای زیادی که متحمل شده اند ایجاد شده است. باید از این تشکلهای بدون هیچ ملاحظه و تردیدی دفاع کرد.

این تشکلهای نتیجه موفقیت و صحت یک سمتگیری استراتژیک نوین در جنبش کارگری ایران است و آن ایجاد تشکل در دل اختناق و دیکتاتوری است. تا قبل از این جنبش کارگری ایران در دل اختناق و دیکتاتوری اساساً تشکل محور نبود. بدین گونه که برای ایجاد تشکل راساً اقدام نمیشد بلکه حق ایجاد تشکل در کنار دیگر حق و حقوق کارگری از دولت و کارفرماها مطالبه میشد و ایجاد تشکل کارگری به تغییر اساسی تناسب قوای رژیم

و کارگران موکول میشد که آنها در دل انقلابات و تلاطمات جدی اجتماعی که منجر به تضعیف اساسی قدرت دولت میگشت، امکان پذیر بود. طرح و تثبیت استراتژی جنبش کارگری به جنبشی تشکل محور مهمترین و اساسی ترین تحول درونی در تاریخ جنبش کارگری ایران است و ایجاد سندیکای هفت تپه در سال گذشته که مایه افتخار و سرافرازی جنبش کارگری است یک گام مهم در تثبیت این سمتگیری جدید است. حال در این شرایط برخی نیروهای شبه اپوزیسیون با طرح "انتخابات مطالبه محور" که آنرا به امضای معدودی فعالین جنبش کارگری رسانده اند در صدد جنبش کارگری را در این انتخابات بدنبال یکی از جناحهای حاکم ببرند. آگاهترین فعالین جنبش کارگری تضمین خواهند کرد که این جنبش بجای نخود سیاه "مطالبه محور" همچنان استراتژی تشکل محور خود را دنبال خواهد کرد.

امسال اول ماه مه در دل یکی از عمیقترین بحرانهای اقتصادی جهان سرمایه داری برگزار خواهد شد. بحرانی که جنبش کارگری به ناچار به مقابله با آن بر می خیزد و در صورت آمادگی که وجود تشکلهای طبقاتی و میلیونی نیاز اساسی آن است بسهولت می تواند به رویارویی مرگ و زندگی کل سیستم سرمایه داری منجر شود. به همین دلیل در اوضاع بحرانی کنونی و در دل تمام مقاومتها، اعتراضات و اعتصابات کارگری ناشی از آن بخش عمده فعالین جنبش کارگری تضمین می کنند تا جنبش کارگری همچنان استراتژی تشکل محور خود را دنبال کند. برای مقابله با نتایج خانمان برانداز این بحران طبقه کارگر باید همانند کارگران واحد و هفت تپه تشکلهای خود را ایجاد کند. نتیجه این رویارویی هر چه باشد، آنچه برای کارگران باقی خواهد ماند تشکل است. بخشهای مختلف جنبش کارگری اعتصابات و اعتراضات بسیاری داشته اند که به ناچار پس از مدتی فروکش کرده است بدون اینکه تشکلی از خود بجا بگذارد. آنچه کارگران واحد و هفت تپه را از دیگر بخشهای دیگر جنبش کارگری مستثنی می کند تشکلی است که از آن مبارزات و اعتراضات بجا مانده است. روز کارگر امسال می تواند تاکید مجددی باشد بر دفاع قاطعانه از تشکلهای توده ای فی الحال موجود کارگری نظیر سندیکای واحد و هفت تپه و تجدید عهدی باشد بر سمتگیری نوین جنبش کارگری برای ایجاد تشکل.

پیروز باد مبارزه کارگران برای ایجاد تشکل  
زنده باد همبستگی بین المللی کارگری

اتحاد سوسیالیستی کارگری  
هفتم اردیبهشت ۱۳۸۸